

# لوح یوسف ۲

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



لوح یوسف (فارسی) - حضرت بهاء الله - مجموعه صد

جلدی، شماره ۳۸، صفحه ۱۳۹ - ۱۴۴

ای یوسف حجّت بر کلّ من فی السّموات و الارض من قبل ان اعرف نفسی تمام بود و بالغ شد چه که بظهوراتی ظاهر و بشئوناتی باهر که احدی را مجال توقّف و اعراض نه \* تفکر در امم قبل کن که بچه سبب از شاطیء بحر احدیه محروم شده اند و از جمال عزّ باقیه ممنوع و اگر بصر حدید مشاهده کنی ادراک مینمائی که کلّ بحجبات کلماتیه و اشارات وهمیه و دلالات ظنونیه حادثه از منبع فیض احدیه ممنوع شده اند و در ایام الله که جمال الهی چون شمس در وسط سماء مشرق و مضع است کل بحجبات وهمیه محتجب مع آنکه در کلّ الواح وصیت شده اند باینکه در حین ظهور بشی از آنچه خلق شده ما بین سموات و ارض تمسک نجویند و باصل امر و بما یظهر منه ناظر باشند \* معذک کلّ از سبیل مستقیم منحرف شده و عرفان حقّ را که لازال مقدّس از دوشش بوده بتصدیق و تکذیب عباد او معلق نموده اند فافّ لهؤلاء ثمّ سحقا لهم بما ارادوا ان یعرفو الله بغیره و هذا لم یکن ابدآ چه که آن ذات قدم بنفس خود معروف بوده و هر معروفی بذکری که از قلم امرش جاری شده معروف گشته بین عباد فتعالی شأنه من ان یعرف بسواه لانّ ما سواه مخلوق تخلق نفسک \* باری الیوم کلّ من فی السّموات و الارض در صقع واحد عند الله مشهودند و هر نفسیکه از ما سوای او منقطع شد و بسموات عرفان نفسش طیران نمود او از اصفیای حقّ و اولیای او بوده و خواهد بود اگرچه نزد احدی معروف نباشد \* و هم چنین نفسیکه معروف شد از پست ترین خلق بین یدی الله مذکور اگرچه از رؤسای قوم باشد چه که حقّ جلّ ذکره را نسبت و ربطی با احدی از ممکات نبوده و نخواهد بود و کلّ بنفحة امر او علی حدّ سوء خلق شده اند و این بلندی و پستی و علو و دنو بعد از القای کلمه در



ORIGINAL



AUDIO

انفس خود عباد ظاهر شده \* هر نفسی که بعد از استماع کلمه الهی بکلمه بلی موفق شده از اهل علیین و اثبات و جنت ابهی محسوب و من دون آن از اهل بحیم و هاویه مذکور \* پس الیوم هر نفسی که منسوب سازد خود را بشجره امر باید از کلّ من فی السموات و الارض منقطع شود و بقلب طاهر و نفس زکی و فؤاد منیر بمنظر اکبر راجع گردد \* و اگر نفسی اراده نماید که حقّ جلّت عظمته را بغیر او بشناسد ابداً موفق نشود و عارف نگردد چه که غیر او محدودند بحدود امکانیه و حادثند بمشیّه اختراعیه و بحدوث و محدود \* ذات قدم شناخته نشده و نخواهند شد \* بشنو وصایای ربّانی و نعمات قدس صمدانی را و از شمال وهم و ظنّ بزمین یقین راجع شو و ببصر خود در ظهورات الهیه و شئون قدس صمدانیه ملاحظه کن \* پاک کن بصر را از اشارات لایغنیّه تا ظهورات عزّ احدیه را در کلتش مشاهده نمائی و گوش را از کلمات قوم مطمئن مطهر ساز تا نعمات قدس الهیه را از کلّ جهات استماع نمائی و قلب را از اشارات کلمات قبلیه منزّه کن تا اشارات کلمات منزله بدیعه را ادراک نمائی و بمعین قدس بیزوال و زلال حمر بیمثال فائز شوی \* این است وصیّت جمال قدم آن عبد را \* و اما آنچه سؤال نمودی از مبدأ و معاد و حشر و نشر و صراط و جنت و نار کلاً حقّ لاریب فیها و موقن بصیر در کلّ حین جمیع این مراتب و مقامات را بچشم باطن و ظاهر مشاهده مینماید چه که هیچ آنی از امری محروم نه و از فضلی ممنوع نخواهد بود \* و اگر بسموات فضل الهی طیران نمائی در هر آنی امورات محدثه در کلّ اوان را چه از قبل و چه از بعد مشاهده نمائی و در هر شیئی کلاً یظهر و یحدث فی کلّ شیئی مشاهده کنی چه که فضلش مخصوص بشیئی دون شیئی نبوده و نخواهد بود \* و لکن مقصود الهی از حشر و نشر و جنت و نار و امثال این اذکار که در الواح الهیه مذکور است مخصوص است بحین ظهور \* مثلاً ملاحظه فرما که در حین ظهور لسان الله بکلمه ئی تکلم میفرماید و از این کلمه مخرجه عن فیه جنت و نار و حشر و نشر و صراط و کلاً انت سألت و ما لاسألت ظاهر و هویدا میگردد \* هر نفسی که بکلمه موقن شد از صراط گذشت و بجنت رضا فائز \* و همچنین محشور شد در زمره مقربین و مصطفین و عند الله از اهل جنت و علیین و اثبات مذکور و هر نفسی که از کلمه الله معرض شد در نار و از اهل نفی و سجّین و در ظلّ مشرکین محشور \* این است ظهورات این مقامات که در حین ظهور بکلمه ئی ظاهر میشود \* و لکن نفوسیکه موفق شده اند برضی الله و امره بعد از خروج آن ارواح از اجساد باجر این عمال در دار اخری فائز خواهند شد چه که آنچه در این دنیا مشهود است استعداد زیاده از این در او موجود نه \* اگرچه کلّ عوالم الهی طائف حول این عالم بوده و خواهد بود و لکن در هر عالمی از برای هر نفسی امری مقدر و مقرر \* و همچو تصور مکن که آنچه در کتاب الله ذکر شده لغو بوده فتعالی من ذلک \* قسم بآفتاب افق معانی که از برای حقّ جنتهای لا عدل لها بوده و خواهد بود و لکن در حیات اولی مقصود از جنت رضای او و دخول در امر او بوده \* و بعد از ارتقای مؤمنین از این دنیا بجنت لا عدل لها وارد

و بنعمتهای لا یحصى متنعم و آن جنان ثمرات افعالی است که در دنیا بآن عامل شده اند \* آیا ملاحظه نمینمائید که یکی از عباد او که خدمت نفسی نماید و زحمتی از برای او تحمل کند اجر و مزد خود را اخذ مینماید؟ چگونه میشود کریم علی الاطلاق امر فرماید عباد را باو امر خود و بعد عباد خود را از بدایع رحمت خود محروم فرماید؟ فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ عَنِ ذَلِكَ \* وَ تَعَالَى تَعَالَى عَمَّا يُظُنُّونَ الْعِبَادَ فِي حَقِّهِ \* باری الیوم جمیع این مراتب مشهود است \* پس نیکو است حال نفسیکه بجنّت الهیه که اعلی الجنان بوده و خواهد بود فائز شود \* و اگر آذان مطهره و نفوس بالغه مشهود میشد هرآینه از بدایع فضلهای الهی ذکر میشد تا جمیع از کل آنچه ادراک نموده و عارف شده و مشاهده نموده اند فارغ و مطهر شده بمنظر اکبر اطهر توجه نمایند \* و لکن چه فائده که با تربیت نقطه بیان روح ما سواه فداه این عباد از مقام علقه به مضغه نرسیده اند تا چه رسد بمقام اکتسای لحم و من دون ذلک مقاماتیکه ابدان ذکران نشده فواحسرتا علی هؤلاء الذین غیروا نعمة الله علی انفسهم و بوجودهم منعت سماء المعانی عن ظهوراته و شئوناته کذلک فاشهد شأن هذا الخلق و کن من الشّاهدين \* باری جنّت و نار و حیات ظاهره اقبال و اعراض بوده و خواهد بود و بعد از صعود روح بجنّات لا عدل لها و همچنین بنار لا شبه لها که ثمره اعمال مقبل و معرض است آن خواهند رسید \* و لکن نفسی جز حق ادراک این مقامات نموده و نخواهد نمود \* و از برای مؤمن مقاماتی خلق شده فوق آنچه استماع شده از بدایع نعمتهای بی منتهای الهی که در جنّتهای عزّ صمدانی مقدر گشته \* و هم چنین از برای معرض فوق آنچه مسموع شده از عذابهای دائمه غیر فانیه \* و اذا نشهد بانّ الصّراط قد رفع بالحقّ و انّ المیزان قد نصب بالعدل و انّ الظّهورات حشرت و البروزات برزت و النّاقور نقرت و الصّور نفخ و النّار اشتعلت و الجنّة قد ازلفت و المنادی قد ناد و السّموات قد طويت و الارض انبسطت و نسمة الله قد هبت و روح الله ارسلت و الحوریّات استزینت و الغلمان استجملت و القصور حققت و الغرف رصّعت و اهل القبور قد بعثت و الاعالی سفلت و الادانی رفعت و الشّمس اظلمت و القمر خسف و النّجوم سقطت و الماء سیلت و القطوف دنبت و الفواکه جنبت و الایات نزلت و اعمال المعرضین قد محت و افعال المقبلین قد ثبتت و اللّوح المحفوظ قد ظهر بالحقّ و لوح المسطور قد نطق بالفضل و مقصود الابداع ثمّ محبوب الاختراع ثمّ معبود من فی الارض و السّماء قد ظهر علی هیکل الغلام اذا تنطق السن کلّشی بان تبارک الله ابداع المبدعین \* ای عبد من ای یوسف بشنو نغمات الهی را و الیوم را قیاس بیومی مکن و کلمات ابداع احلی را قیاس بکلماتی منما \* بعین خود در امورات ظاهره نظر کن و باحدی در عرفان نیر اعظم متمسک مشو \* و الیوم بر کلّ احبّای الهی لازم است که آنی در تبلیغ امر الله تکاهل ننمایند و در کلّ حین بمواعظ حسنه و کلمات لیّنه ناس را بشریعه عزّ احدیه دعوت نمایند \* چه که اگر نفسی الیوم سبب هدایت نفسی شود اجر شهید فی سبیل الله در نامه عمل او از قلم امر ثبت خواهد شد \* این است فضل

پروردگار تو در باره عباد مبلّغین \* أَنْ اَعْمَلْ بِمَا أُمِرْتَ وَلَا تَكُنْ مِنَ الصَّابِرِينَ \* وَالْبَهَاءُ عَلَيْكَ وَعَلَى مَنْ  
مَعَكَ اِنْ تَسْتَقِيمَ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ الْأَعْظَمِ الْعَظِيمِ \*